

معرفی ارکان توسعه ملی

نویسنده:

داود طالبی

دانشجوی دکتری مدیریت سیستم و بهره وری

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

در این مقاله، ضمن تعریف توسعه و اهداف آن به معرفی عوامل اصلی و ارکان توسعه ملی خواهیم پرداخت. با آن که میل به رشد و توسعه فردی و اجتماعی از جمله ویژگیهای مشترک جوامع است، لیکن نهایت و آرمان توسعه در فرهنگها و اقوام مختلف متفاوت تلقی شده است. هرچند که امروزه منظور از توسعه و پیشرفت، عمدتاً اقتصادی و آن هم با معیارهای خاصی است که غایت آن "رفاه مردم" یک کشور است، لیکن رفاه تحقق نمی‌یابد مگر با طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه همه جانبه همراه با تحقق عدالت اجتماعی در جامع و بنابراین اجرای عدالت اجتماعی از طریق برنامه‌های توسعه است که رفاه اقتصادی را نیز به همراه می‌آورد.

با آنکه حرکت توسعه ملی ابعاد انسانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دارد، لیکن انسان هسته اصلی و محور توسعه در زوایای مختلف است و تا انسانها به یک حداقل قابل قبولی از توسعه یافتگی و وارستگی نرسند، امکان بهره‌گیری از سایر ابعاد توسعه نیز چندان جهت‌دار نخواهد بود. توسعه یافتگی انسانها به عنوان پلی برای گذر از بی‌ارادگی به همت، بی‌برنامه بودن بی‌برنامه داشتن، تفرق به وحدت، ناامنی به امنیت، فرار از کار به وجدان بالای کاری و تقوای حرفه‌ای، گریز به مشارکت، بی‌نظمی به نظم، جمود به اندیشه و ... است. برای توسعه پایدار و تعالی بخش پنج رکن بدین شرح به عنوان ارکان توسعه ملی در این مقاله مدنظر قرار گرفته و نقش آنها در فرآیند توسعه ملی تبیین شده است.

نظام آموزشی - نظام پژوهش - نظام مدیریت - نظام ارزشی و نظام امنیت ملی

همچنین فرآیند توسعه مستلزم ابزار و لوازمی است که ارتباطات، حمل و نقل، انرژی و ... از جمله آنند.

واژه‌های کلیدی

توسعه ملی، ارکان توسعه، نظام آموزشی، نظام پژوهش، نظام مدیریت، نظام ارزشی، امنیت ملی، زیرساخت‌های فیزیکی

مقدمه

دنیای امروز با جوامع مختلف و فرهنگهای متفاوت دارای یکسری ویژگیهای مشترکی است. میل به رشد، توسعه و پیشرفت فردی و ملی از جمله این ویژگیهای مشترک جوامع است. امروزه این میل آنچنان در حد یک ضرورت فردی و ملی مطرح می‌باشد که نیازی به استدلال نیست. پیرامون موضوع

"توسعه" به ویژه از جنگ جهانی دوم به بعد سخن فراوان گفته شده است.

موضوع توسعه به ویژه در کشورهای جهان سوم مورد توجه بسیار قرار گرفته است. "فقر شدید" که تنها وجه مشترک اکثر جهان سومی هاست امروزه عدالت جهانی را شدیداً بی‌معنا کرده است. درآمد سرانه متوسط بیش از سه میلیارد مردم جهان کمتر از ۸۰۰ دلار است در حالی که این رقم در آمریکا بیشتر از

۱. تعاریف توسعه

هرچند که امروزه منظور از "توسعه" و "پیشرفت" بیشتر اقتصادی و با معیارهای خاصی است. ولی با کمی دقت در این مفهوم درمی یابیم که غایت توسعه "رفاه" مردم کشور است. رفاه تحقق نمی یابد مگر در اجراء برنامه های "توسعه همه جانبه" و توسعه در عدالت اجتماعی نهفته است و عدالت اجتماعی زائیده نظام ارزشی است. بنابراین عدالت اجتماعی (با تحقق برنامه های توسعه همه جانبه) است که رفاه را به ارمغان می آورد نه برعکس.

توسعه جریانی چندبعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت کلی نظام اقتصادی اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساختهای اجتماعی و اداری است. در بسیاری موارد حتی عادات، رسوم و عقاید مردم را نیز دربر می گیرد. [۳]

پروفیسور "جرالد می ر" توسعه اقتصادی را فرآیندی می داند که به موجب آن درآمد واقعی سرانه در یک کشور در دورانی طولی مدت افزایش می یابد. [۴]

"مایکل تودارو" توسعه را جریانی چندبعدی می داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی و کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. [۵]

اما باید بپذیریم که توسعه یک مفهوم چندبعدی^۴ می باشد. منظور از ابعاد همان عناصر و اجزاء توسعه همه جانبه می باشد. این مفهوم چندبعدی در تعیین استراتژیهای توسعه نقش مهمی دارد. محققان برای سهولت در مطالعه و تحقیق پیرامون توسعه برای آن ابعادی قائل شده اند از جمله این ابعاد: کیفی - کمی، عینی - ذهنی، عملی - نظری، انسانی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است.

اخیراً محققین و اندیشمندان مدیریت و اقتصاد مفهوم و بعد جدیدی از توسعه به نام مفهوم "استراتژیک" ارائه نموده اند. در این بعد و مفهوم برنامه کلان توسعه در یک کشور از بعد مدیریت، هدایت، برنامه ریزی، کنترل، تعیین هدف، شناسایی موقعیتها، منافع و زیانها می باشد.

ملاحظه می شود که مفهوم توسعه یک مفهوم کلی است که برای پدیده های مختلف در شرایط متفاوت قابل انطباق و اطلاق

۱۸۰۰ دلار است [۱]. برای این فقر و درماندگی دلایل زیادی است. اما بزرگترین دلیل داخلی آن این است که آنها هنوز "اندیشه" و راه بهره گیری از منابع سرشار انسانی و طبیعی خود را نیافته اند. امروزه بیش از یک سوم مردم جهان سوم پایین تر از فقر کامل به سر می برند. چهل و پنج درصد از ساکنان شهرها و نیز هشتاد و پنج درصد از ساکنان روستاها فاقد سرپناه مناسب هستند. هر روز سی هزار نفر از آنان بر اثر آب آلوده و نبود بهداشت می میرند و طول عمر متوسط کمتر از پنجاه سال است در حالی که در ایالات متحده بیش از هفتاد سال گزارش شده است. همه این عوامل ذکر شده و سایر عوامل دیگر دست به دست هم داده و مشروعیت سیاسی حکومتهای جهان سوم را زیر سوال برده است. چرا که مشروعیت سیاسی بدون رشد اقتصادی شکننده است و زمینه را برای آسیب رسانی به هویت فردی، فرهنگ، دین و ملیت را مهیا نموده است. حضرت علی (ع) می فرماید:

«کاد الفقر ان یكون کفراً»

«نزدیک است که فقر کفر باشد» [۲]

با تمام این مصائب و معضلات "امید" به آینده سرمایه بس بزرگی است که هنوز بسیاری از مردمان این کشورها در خود دارند. ارزش هر قوم و ملتی به همت و پشتکار و جوانمردی اش می باشد. غیرت ملی، اندیشه های سالم و دلسوز بخصوص در نخبگان می تواند خبر از آینده ای روشن بدهد. خرد و اندیشه در این ملتها همچون آینه ای تابناک سرمایه اصلی شان است. در کنار این اندیشه موضوعی که باید مدنظر به ویژه دولتمردان قرار گیرد، از دست ندادن فرصتهاست. چرا که از دست دادن فرصتها غیر از اندوه و آفات مضاعف ثمر دیگری نخواهد داشت. عصر امروز را گاهاً عصر سرعت می دانند. درنگ امروز پشیمانی و زیانهای بزرگ فردا را به دنبال خواهد داشت.

نگاه دوراندیش و استراتژیک در امر توسعه نیز از اهم موضوعات است. پیروزی اساساً در دوراندیشی و به کار انداختن رأی و تصمیمات صائب است.

در این مقاله بعد از ارائه تعاریفی از توسعه و اشاره به توسعه انسانی: پنج نظام مهم و استراتژیک: "آموزشی"، "اداری و مدیریت"، "امنیت ملی"، "تحقیقاتی" و "نظام ارزشی" را به عنوان پنج رکن اصلی توسعه مورد بحث قرار می دهیم.

۲. کنار هم قرار دادن این مواد و مصالح به صورت صحیح

امروزه دنیا در تلاش است تا به پدیده‌ها و مسائل به صورت علمی و عقلانی بنگرد. یکی از مهمترین نکاتی که در بحث برنامه توسعه باید مورد نظر باشد استفاده از فرآیند علمی در طراحی اندیشه توسعه برای حل مسأله است.

خمیرمایه ایرانیان در جنبه‌های فردی، تاریخی و فرهنگی از نظر محتوا و عمق زبازد داخل و خارج کشور است. چیزی که بسیاری از دیگر کشورهای جهان سومی از آن محرومند. توجه جدی دولت به مردم یک کشور به مسائل مهم در بروز اندیشه‌های آن دولت و مردم معلوم می‌شود. ملت و دولتی که فقط سیر کردن مردم به صورت قوت لایموت را در اندیشه داشته باشد امیدی به توسعه آن نمی‌رود. ارزش هر دولت و مردم آن به همت و اندیشه است. در ضرب المثل است که می‌گویند هرطور که فکر کنی همان طور خواهی بود. سر همه پیشرفته‌ها و پسرافته‌ها و عقب‌ماندگی‌ها در اندیشه است. مولوی می‌گوید:

ای برادر تو همان اندیشه‌ای

مابقی تو استخوان و ریشه‌ای

خیزش فکری ملت و دوراندیشی و احتیاط عقلانی اولین عامل حرکت بهبود و پیشرفت است (خواستن توانستن است). در اندیشه توسعه به ویژه توسعه همه‌جانبه توجه به متغیرهای اصلی و واقعی مسأله بدور از هرگونه تعصب و واژدگی نقش مهمی دارد. از جمله این متغیرها: اشتغال، بیکاری، آموزش و تحقیق و نظام آموزشی و تحقیقاتی، نظام اداری و مدیریت، نرخ رشد جمعیت، سطح سواد و فقر فرهنگی است.

ویژگی مهم دیگری که اندیشه توسعه باید متصف به آن باشد پایداری توسعه است "توسعه پایدار"، جستجو برای روشی از پیشرفت اقتصادی است که نیازهای نسل حاضر را برآورده کند؛ بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره اندازد و این مستلزم صرفه‌جویی و احیاء منابع کمیاب و تدبیر (اندیشه) در استفاده از منابع است. [۹]

به طور خلاصه برای ایجاد و صیانت از یک اندیشه توسعه صحیح و منطقی اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

است. در کلامی خلاصه توسعه همانا بهینه‌سازی در استفاده از نیروهای بالقوه مادی و انسانی یک اجتماع است. [۶]

۲. منطق و اندیشه توسعه

منطق ابزاری است از نوع قاعده و قانون که مراعات کردن و بکار بردن آن ذهن را از خطای تفکر نگه می‌دارد. [۷] پس فایده منطق جلوگیری ذهن از خطای تفکر است. اصولاً موضوعات مهم و حساس و برنامه‌های حیاتی در یک سازمان یا در یک کشور نیاز به حفظ و نگهداری و مصونیت دارد. به هر میزان درجه اهمیت بالا باشد به حفظ و صیانت بیشتر نیاز است. برنامه توسعه در هر کشور (به ویژه کشورهای جهان سوم) حیاتی است. چرا که سرمایه‌های انسانی، اقتصادی، فرهنگی زیادی برای تهیه آن بکار برده می‌شود. اگر این برنامه حیاتی از درون و برون از خطرات مفروضه در امان نباشد حیات سیاسی و مشروعیت سیاسی آن جامعه در معرض خطر جدی خواهد بود. نتیجه اینکه صیانت درونی برنامه توسعه کشور در گرو وجود منطق صحیح در آن است. منطق همانگونه که در تدوین برنامه نقش حیاتی دارد در اجراء برنامه نیز همچون یک "خطاسنج" عمل می‌نماید.

فکر یک مقوله ذهنی است که فرآیند تفکر در آن انجام می‌گیرد. تفکر عبارت است از مربوط کردن چند معلوم به یکدیگر برای بدست آوردن معلوم جدید و تبدیل کردن یک مجهول به معلوم. "اندیشه" محصول تفکر انسانهاست.

برای حصول به یک اندیشه صحیح و سالم باید حرکت ذهن در حین تفکر تحت کنترل منطق قرار گیرد. لذا در تهیه برنامه توسعه کشور قدم اول وجود "اندیشه صحیح توسعه" است که لازمه آن نیز وجود یک نظام کنترل فکری منطقی است.

اینکه حرکت ذهن در ترتیب دادن معلومات و کشف مجهولات دارای شکل و صورت صحیحی باشد نظام فکری نام دارد. "نظم گمشده عقل است" [۸] و عمل فکر کردن چیزی جز نظم دادن به معلومات و پایه قرار دادن آنها برای کشف یک امر جدید نیست.

به طور خلاصه منطق توسعه باید دو ویژگی اساسی زیر را داشته باشد:

۱. مواد، مصالح و ابزار صحیح و سالم

نخبگان در فقیرترین کشورها تا پیشرفته ترین کشورها به تعداد کم یا زیاد وجود دارند و از طرفی معمولاً مقبولیت عامه دارند. یک نظام سیاسی کارآمد و فکور می‌بایست با برنامه‌ریزی صحیح از نخبگان در توسعه انسانی کشور بیشترین استفاده را بنماید.

یکی از اشتباهات فاحش نخبگان در گذشته علی‌الخصوص پس از جنگ جهانی و در دهه ۱۹۵۰ این بود که در اذهان مردم واژه توسعه اقتصادی را به جای توسعه همه‌جانبه جای دادند. البته علت آن هم وجود مشکلات حاد اقتصادی پس از جنگ بود که توجه همه از جمله نخبگان را به خود جلب کرده بود. ولی از دهه ۵۰ میلادی به بعد خوشبختانه در جهت اصلاح این تصور ناصحیح کوشش‌های مطلوبی به عمل آمده است که استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته در این زمینه توصیه می‌شود. نخبگان که سکاندار توسعه انسانی هستند می‌بایست به نکات زیر توجه داشته باشند.

۱. استفاده از مواد، مصالح و ابزار فکری، مادی، فرهنگی، اداری و آموزش صحیح
۲. کنار هم نهادن مواد فوق به صورت صحیح منطقی
۳. اجتناب از الگوبرداری چشم بسته و بدون مطالعه از خارج از کشور
۴. کنارگذاشتن تعصب و ایجاد روحیه انتقادپذیری
۵. برخورد عملی و عقلانی با مسائل
۶. توجه به ترتیب و اهمیت تقدم و تأخر برنامه‌ها
۷. پیش‌بینی عبور موفقیت آمیز از بحرانها که در هر برنامه توسعه‌ای اتفاق می‌افتد.
۸. توجه به شرایط محیطی و فرهنگ مردم و ارزشهای دینی، در جامعه‌ای که برنامه‌ریزی توسعه برای آن مدنظر است.

۳. توسعه انسانی؛ قدمگاه اول

حرکت توسعه ملی در کشور اهدافی را از قبیل انسانی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به دنبال دارد. انسان هسته اصلی و محور توسعه در ابعاد مختلف (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی) است. به عبارت دیگر تا انسانها به یک حد قابل قبولی از توسعه نرسند، امکان استفاده از این محور و هسته اصلی برای تحقق سایر اهداف توسعه میسر نمی‌باشد. لذا توسعه‌یافتگی انسانی به عنوان پل گذر از بی‌ارادگی به همت، بی‌برنامه بودن بی‌برنامه بودن به برنامه داشتن، تفرق به وحدت، ناامنی به امنیت، فرار از کار به وجدان بالای کاری و تقوای حرفه‌ای، گریز به مشارکت، بی‌نظمی به نظم و ... است. تجربه نشان داده است که کشورهای خواهان توسعه همه‌جانبه در این مرحله اصلی شکستهای فراوانی را دیده‌اند که گاهاً منجر به معضلاتی مضاعف گشته است. تفسیرهای گروهی، فردی و گاهاً کاملاً شخصی از مفهوم توسعه انسانی، سرمایه‌های انسانی و فکری و نیز زمان بسیار زیادی را از دست ملتها و دولت‌ها ربوده است.

نقش رهبری برای هدایت این مرحله بحران‌زا و نیز نقش نخبگان بسیار سرنوشت‌ساز است. وجود دیدگاه‌های مختلف و گاهاً متضاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی از علل اصلی شکست‌ها و ناکامی طرح‌های توسعه و بهبود است.

۱. ترویج طرح توسعه همه‌جانبه و پایدار
۲. طرح اصل وحدت در عین کثرت
۳. توسعه و ترویج آموزش از بالا به پایین
۴. دوری از ترس و عدم اعتماد به نفس
۵. تلاش برای از بین بردن موانع خلاقیت
۶. تعریف دقیق و روشن از مفاهیم و متغیرها
۷. دعوت مردم به تفکر و رفتار منطقی و عقلانی و نظم

عدم توجه به توسعه انسانی و نگاه صرف اقتصادی آن هم در چارچوب سیستم سرمایه‌داری سقوط تدریجی مجدد و گاهاً غیرمحسوس را به دنبال خواهد داشت. در این راستا پنج نظام مهم و استراتژیک "آموزشی"، "پژوهش"، "اداری و مدیریت"، "امنیت ملی"، و "نظام ارزشی" را که به عنوان پنج رکن اصلی توسعه می‌باشند، مورد بحث قرار می‌دهیم.

۴. نظام آموزشی

شکی نیست که افراد برای انجام کار به ویژه کارهای جدید و مهم می‌بایست آگاهی داشته باشند.

برای کسب آگاهی راه‌های مختلفی وجود دارد. فرآیند کسب آگاهی آموزش نام دارد که بعضی از روشهای آموزشی در جدول زیر آمده است.

جدول ۱: انواع روشهای آموزش [۱۰]

نام روش	هدف	انواع و مراحل
روشهایی که به منظور ارائه اطلاعات بکار برده می‌شود	آموختن مفاهیم، واقعیات، مهارتها و دانستیهای مربوط به کار بدون تمرین و تجربه	سخنرانی، سمینار، کلاس درس، آموزش از دور
روشهای شبیه‌سازی	قرار دادن کارآموز در فضایی مشابه واقعیت برای آمادگی به منظور رویارویی با مسائل	بررسی مواد خاص، ایفای نقش، تمرین شغل، بازیهای مدیریتی
روشهای ضمن خدمت	انجام کار آموزشی ضمن خدمت که مناسبترین روش برای آموزش دانش و مهارتهایی است که می‌توان در کوتاه‌مدت یاد گرفت	مراحل: ۱. آماده سازی کارآموز ۲. نشان دادن نحوه انجام کار ۳. انجام آزمایشی کار ۴. پیگیری روشها: ۱. گردش شغلی ۲. آموزش کارگاهی ۳. مربی گری ۴. جانشینی موقت ۵. استاد - شاگردی

آموزش که در فرآیند نظام آموزشی اجراء می‌شود شدیداً متأثر از کارآمدی نظام آموزشی است. لذا باید در طراحی نظام آموزشی دقت فوق‌العاده‌ای نمود. این طراحی لازم است بر اساس نیازسنجی، تعیین نیازمندیهای آموزشی و به طریق علمی انجام گیرد. به تجربه معلوم شده است که پیروی محض از الگوهای آموزش غرب در کشورهای جهان سوم به ویژه در کشورهای مسلمان نتیجه مطلوبی نداشته است. وقتی نسبت به الگوهای دنیای خارج تردید وجود دارد ضرورت بازبینی، تجدیدنظر و نوگرایی بیش از پیش مشخص می‌شود. نتیجه‌اینکه "تحول" در نظام آموزشی به عنوان مجرای آموزشی در دو جنبه باید صورت گیرد. یکی در جنبه "مواد و موضوعات آموزش" و دیگری "روش آموزش".

"ایوان ایلچ" یکی از روشنفکران غربی در این زمینه می‌گوید:

"برای آنکه مسأله آموزش و مدرسه تمام اهمیت خود را پیدا کند، باید آن را در کل جامعی که مذهب و ایدئولوژی حاکم بر جهان امروز است، مورد بررسی قرار داد."

از گفته بالا به این نتیجه می‌رسیم که حتی غربی‌ها با نگاه ایدئولوژی و مذهب به آموزش می‌نگرند.

موضوع قابل اشاره در طراحی "نظام آموزشی کارآمد" این است که این نظام و نهادهای آن نباید خود ایجاد نیازهای جدیدی را باعث شود و دیگر اینکه در نظام سیاسی اجتماعی ما از آموزش، مدرسه و دانشگاه مفهوم و انتظاری وسیع‌تر از غرب و حتی شرق وجود دارد. انتظار ما از نظام آموزش عمومی و عالی تربیت انسانهای متخصص، مسأله شناسی، دلسوز و وفادار است.

نکته قابل ذکر دیگر ضرورت همخوانی و مطابقت نظام آموزشی کشور با تحقیق و نظام تحقیقاتی است که در مورد تحقیق و نظام تحقیقاتی در بخش دیگر به بحث خواهیم پرداخت.

۵. نظام تحقیقاتی

علم و تکنولوژی دو محصول تحقیق هستند. [۱۱] از طرفی این دو یعنی علم و تکنولوژی از طریق آموزش و اجراء، در توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی، صنعتی و علمی نقش غیرقابل انکاری دارند. یک برنامه توسعه کارآمد و موفق زمانی در عمل به نحو مطلوب اجراء خواهد شد که با آماده بودن سایر شرایط از دو

توسعه در نظر ما می‌بایست با مبنا قرار دادن فطرت الهی انسان، راه تعالی و تکامل انسانها را هموار سازد. در مشرق زمین به دلایل مختلف و نیز با توجه به تجربه تلخ دنیای غرب مبنی بر همه‌جانبه نبودن توسعه و پیشرفت؛ از وظایف مهم نظام آموزش و نخبگان، مترادف قراردادن توسعه با پیشرفت همه‌جانبه است. در فرهنگ ما آموزش مترادف با "تعلیم" و پرورش مترادف با "تربیت" قرار دارد. این دو واژه در فرهنگ ملی و دینی ما از جایگاه اساسی فردی و اجتماعی برخوردار است.

یکی از ارکان مهم توسعه بخصوص بعد از انقلاب صنعتی آموزش و نظام آموزشی بوده است. ما در بخش "اندیشه توسعه" یاد آور شدیم که عامل اولیه و اساسی مورد نیاز برای توسعه همانا "اندیشه توسعه" است که این امر میسر نیست مگر بوسیله آموزش.

کشور ایجاد و تولیت این فعالیت حیاتی کشور را بر عهده گیرد افزایش یافته است و این امید، انتظاری بجاست.

۶. نظام اداری و مدیریت

نظام اداری مینیاتوری از کل جامعه است که در ارتباط نزدیک با ساختارهای اجتماعی، سیاسی، حقوقی، ایدئولوژیک و اقتصادی می‌باشد. لذا بررسی روابط متقابل نظام اداری با سایر ساختارهای جامعه ضروری است. چرا که هر اقدامی در جهت بهبود نظام اداری به نحوی از انحاء با نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ارتباط داشته و در عین حال کارکرد سایر ساختارها می‌تواند در کارایی و یا عدم کارایی نظام اداری مؤثر باشند.

وقتی از رشد، توسعه و پیشرفت صحبت می‌کنیم در درجه نخست باید از این امر مطمئن باشیم که آیا نظام اداری موجود از رشد، توسعه و پیشرفت لازم برخوردار است یا خیر؟ چرا که نظام اداری همچون مرکزی مسوولیت توسعه و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را بر دوش می‌کشد.

در کشور ما همه اذعان دارند که نظام اداری موجود کارکرد و کارایی لازم را برای اجرای اندیشه و برنامه توسعه همه‌جانبه ندارد. لذا در کنار و همراه تغییر و تحول در نظام آموزشی؛ تغییر و بهبود در ساختار، نظام و کارکردهای اداری کشور ضروری است.

ذیلاً به برخی نشانه‌ها و دلایل ناکارآمدی نظام اداری کشور اشاره می‌کنیم:

۱. تمرکز اختیارات و عدم تفویض آن به مراکز استانی، دستگاه‌ها و ارگانها
۲. عدم وجود مکانیزم کنترل و نظارت و نبود مشارکت مردمی
۳. نداشتن توان تهیه و ارائه آمار و اطلاعات که خود اساس هر نوع برنامه‌ریزی است
۴. داشتن کمترین میزان بهره‌وری در بین سه بخش کشاورزی، صنعتی و اداری کشور
۵. پیچیدگی راه کارها و حجم وسیع عملیات (به ویژه عملیات غیرضرور)
۶. ناامیدی مردم از این نظام اداری
۷. نبود حاکمیت تخصصی و نظام ارشدیت

پشتیبان مهم "علم و تکنولوژی" برخوردار باشد و این دو نخواهد بود الا با تحقیق.

امروزه به حدی دو واژه "تحقیق" و "توسعه" در مفهوم و عمل عجین شده‌اند که هر دو واژه همیشه با هم و در کنار هم استعمال می‌شوند. چرا که خمیرمایه علمی و فکری توسعه، تحقیق است.

همچون آموزش، تحقیق نیز اسیر نظام تحقیقاتی هر کشوری است. اساساً تحقیق مقدم بر آموزش است. فقدان یک نظام تحقیقاتی کارآمد در کشور نابسامانیها و صدمات بعضاً جبران‌ناپذیری را ایجاد می‌نماید.

امروزه چه بد و چه خوب ما دارای نظام آموزشی، نظام اداری، نظام مالی و غیره هستیم ولی متأسفانه از داشتن یک نظام تحقیقاتی واحد محروم هستیم. هرچند که امروزه در سازمانها و دستگاه‌های کشور بخشی با عناوین مختلف در زمینه تحقیقات فعالیت دارند ولی همانگونه که اشاره شد از یک نظام تحقیقاتی واحد برخوردار نبوده و بعضاً موضوعات زیادی به صورت موازی در سازمانهای مختلف پرداخته می‌شود که از نظر صرف زمان و هزینه قابل ملاحظه است.

توجه به رعایت نکاتی در باب طراحی نظام تحقیقاتی واحد کشور لازم است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم:

۱. تعیین اولویتها در موضوعات تحقیق با توجه به برنامه توسعه کشور
 ۲. همخوانی و هماهنگی با نظام آموزشی، نظام اداری (در آینده بحث خواهد شد) و نظام مالی کشور
 ۳. برخورداری از بودجه و امکانات کافی
 ۴. اعزام متخصصان به کشورهای پیشرفته به صورت دوره‌های کوتاه‌مدت برای بازآموزی و یادگیریهای جدید
 ۵. دعوت از محققین خارجی برای استفاده از معلومات و تجربیات آنها
 ۶. الزام به همکاری کلیه سازمانهای کشور با محققین به ویژه ارائه آمار و اطلاعات^۶
- خوشبختانه به هنگام نگارش این مقاله (با تغییر نام وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت "علوم، تحقیقات و فناوری")، این امید که در آینده یک نظام تحقیقاتی واحد و کارآمد در

۸. نبود فرآیند منطقی تصمیم‌گیری در حل مسأله

۹. رشد قارچ گونه و حجیم شدن بیش از حد

۱۱. طراحی سیستم کارآمد تشویق و تنبیه

۱۲. استفاده از تکنولوژی و تجهیزات مدرن در حد ضرورت

۱۳. توجه به دو عنصر "آموزش" و "تحقیق"

از مشکلات مهمی که نقش سرنوشت‌سازی در نظام اداری کشور دارد "مدیریت"^۷ است. امروزه "مدیریت" به عنوان یک معضل و سردرگمی در نظام اداری کشور محسوب می‌شود. این نظام فرعی (مدیریت) در نظام اداری کشور از ارکان آن به حساب می‌آید که نقش "سر" را ایفا می‌کنند. تزریق فکری و هدایت مجموعه اداری کشور برعهده مدیریت است. امروزه صاحب‌نظران و مسئولین کشور معتقدند که اگر مشکل مدیریت و ناکارآمدی آن حل شود بخش قابل ملاحظه‌ای از عقب‌ماندگی و سایر مشکلات کشور حل خواهد شد.^۸

عامل مدیریت دارای رمز و رازهای علمی و عقلانی است. که در مشروعیت نظام سیاسی و اداری کشور مؤثر است.

به تجربه دیده شده است که عامل اندیشه و مدیریت می‌تواند جایگزین خیلی از منابع و لوازم گردد. کشورهایی مثل چین و هند نمونه‌ای بارز از این ادعاست. مثلاً هند برای تغذیه بیش از ۸۰۰ میلیون جمعیت خود غذای کافی تولید می‌کند و مقداری هم برای صادرات دارد. ولی ما هنوز قادر نیستیم گندم کشور ۶۰ میلیونی خود را در داخل تولید کنیم.

اساساً مدیریت خود می‌تواند به عنوان یک نیروی محرکه توسعه به حساب بیاید. دگرگونی و تحول در مدیریت به ویژه در حیطة تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی از ضروریات است. لازم است در طراحی نظام اداری و مدیریت کشور موارد زیر مورد لحاظ قرار گیرد:

۱. توجه به اولویتهای اداری و مدیریتی برنامه توسعه
۲. شناسایی گلوگاه‌ها و معضلات نظام اداری موجود
۳. گنجانیدن اصل شایسته‌سالاری برای انتصابها و انتخابها
۴. رعایت اصول مدیریت علمی
۵. توجه به فرهنگ عامه
۶. پرهیز از کاغذبازی و بروکراسی طولانی
۷. رعایت نظام ارشدیت و تخصص
۸. برخورداری از نظام کارآمد ارزیابی کارکنان و عملکرد
۹. برخورداری از نظام اندازه‌گیری و تحلیل بهره‌وری
۱۰. برخورداری از سیستم حقوق و دستمزد منصفانه

در پایان این بخش برخی وجوه تمایز بین جامعه پیشرفته و جوامع عقب‌نگهداشته شده را از لحاظ نظام اداری از دیدگاه "رابرد وارد و دانکوارت رانتو" برمی‌شماریم.

۱. وجود نظام کاملاً تخصصی
۲. وجود وحدت و ترکیب کامل ساختار واقعی سازمانهای دولتی
۳. غلبه روندهای منطقی بر تصمیمات سبسیاسی
۴. حجم گسترده و متنوع تصمیمات کارسازی سیاسی - اداری
۵. وجود احساس همسازی مؤثر مردمی با تاریخ، قلمرو و هویت ملی کشور
۶. علاقه و شرکت مردم در نظام سیاسی
۷. واگذاری مشاغل براساس لیاقت و ضابطه نه رابطه
۸. تکنیکهای تنظیم‌کننده قضایی که عمدتاً متکی به نظام غیرشخصی قوانین باشند. [۱۲]

قابل ذکر است با ادغام دو سازمان "امور اداری و استخدامی" و "برنامه و بودجه" و ایجاد سازمان جدیدی به نام "سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت" این امید که نظام اداری و مدیریتی کشور با نگاهی جدید، علمی و عقلانی با توجه به موارد ذکر شده در بالا بتواند انتظارات را برآورده سازد را بوجود آورده است.

۷. نظام امنیت ملی

یکی دیگر از ارکان توسعه "امنیت"^۹ است. امنیت نیاز اولیه انسانهاست و انسان از ابتدای خلقت در معرض انواع تهدیدات جسمی و روحی بوده است. به عبارت دیگر انسانها همیشه به طریقی مواجه با "عدم امنیت" بوده‌اند. در مورد واژه "امنیت" نیازی به تعریف و توضیح دیده نمی‌شود ولی از نظر مفهوم و اهمیت آن در جامعه لازم است توضیحاتی ارائه نماییم. امنیت در برابر ناامنی قرار دارد. درست مثل روشنایی در مقابل تاریکی،

عدل در برابر ظالم. امنیت به معنای آرامش فردی و محیطی است. البته مهم‌تر از خود آرامش؛ احساس آرامش است. چرا که ممکن است آرامش ظاهری وجود داشته باشد، ولی به مردم "احساس آرامش" دست ندهد. نتیجه اینکه وقتی سخن از امنیت به میان می‌آید منظور ایجاد احساس آرامش است. با یک مثال به فهم مطلب کمک می‌کنیم. فرض کنید فردی شدیداً گرسنه است. برای او غذایی می‌آورند که از نظر کالریها و مواد انرژی‌زا هیچ اثری نداشته و یا دارای کمترین اثر باشد. او بعد از خوردن آن غذا در کوتاه‌مدت سیر می‌شود. ولی به زودی احساس گرسنگی به او روی می‌آورد. نتیجه این است که در واقع او احساس سیری واقعی برای یک مدت معمولی و معقولی بدست نیاورده است. بنابراین می‌توانیم بگوییم که آن غذا از این نظر "غذا" نبوده و سیری فرد نیز سیری واقعی نبوده است^۱. نکته مهم دیگر در باب امنیت این است که امنیت به ویژه امنیت ملی، "ایجاد کردنی" است و این وظیفه حکومت ای نظام سیاسی حاکم است. امنیت بیش از آنکه جنبه از بین بردنی یا از میان برداشتنی داشته باشد باید جنبه ایجاد مانع از بروز عوامل عدم امنیت و پیشگیری داشته باشد. این ویژگی یکی از خصوصیات نظام امنیتی کارآمد است.

در این مقاله با به دنبال چگونگی ایجاد امنیت ملی نیستیم. بلکه در پی بیان نقش و تأثیرات امنیت ملی در توسعه کشور هستیم. اگر حرکت و نهضت توسعه ملی را همچون یک کشتی در حال حرکت در روی آب تصور کنیم. آب نقش فرهنگ (بستر) را دارد و آرامش و طوفانی نبودن آن همان امنیت ملی است. همانگونه که مجموعه سکاندار و سایر مسوولین کشتی برای ادامه حرکت سالم و بدون خطر کشتی فقط به آرامش ظاهری دریا توجه ندارند و با مطالعه و کسب اخبار از اوضاع و احوال آب و هوایی، جغرافیایی و غیره پیش‌بینی آینده را می‌نمایند و از طرفی از نظر دقت برای حرکت در مسیر صحیح و رعایت مناطق کمک عمق، به امنیت ظاهری اکتفا نمود به عبارتی دیگر "علاج واقعه قبل از وقوع" باید نمود. برای جلوگیری از اطاله مطلب مواردی که برای طراحی نظام امنیت ملی باید مورد توجه قرار گیرد اشاره می‌شود:

۱. برخورداری از روشهای علمی، تکنولوژی پیشرفته و تحقیق و توسعه

۲. تقدم اصل پیشگیری بر درمان
۳. توجه اصل مشارکت مردم در اجرای نظام امنیت ملی (امنیت مردمی)
۴. حتی‌الامکان سعی شود جوّ و فضای پلیسی به عنوان نماد و تصویر این نظام قرار نگیرد.
۵. نگاه استراتژیک، جامع‌نگر به امنیت و تعیین و تعریف ارتباط و اثرگذاری و اثرپذیری از سایر نظامات
۶. قانونمند و نهادینه کردن نظام امنیت ملی
۷. به وسیله ارتباط صحیح و مؤثر با سیستم قضایی کشور تعاریف دقیقی از جرم در زمینه‌های مختلف ارائه شود.
۸. توجه و تعریف ابعاد مختلف امنیت: فکری، اقتصادی، قضایی و اجتماعی
۹. برخورداری از یک نظام و تشکیلات کارآمد درونی
۱۰. برخورداری از توان پیش‌بینی و شناسایی بحرانهای آینده که معمولاً برای برنامه کلان توسعه در کشورها ایجاد می‌شود.

۸. نظام ارزشی

آخرین بحث مورد مطالعه "نظام ارزشی" است. آنچه که در دنیا توسط انسانها ایجاد شده‌اند (مفاهیم، تعاریف، اشیاء و ...) و مورد قبول قرار گرفته (به عبارتی به آنها اعتبار داده شده است) یک امر دائمی و ازلی نیست.

اعتبار انسانی یک امر نسبی است. ممکن است موضوعی در نزد یک فرد، خانواده، اجتماع و یا حتی در یک کشور معتبر باشد ولی برعکس در نزد فرد، خانواده، اجتماع و یا حتی در یک کشور دیگر اصلاً اعتباری نداشته باشد و یا دارای اعتبار کمتری باشد.

در جامعه اسلامی ما نظام ارزشی علی‌رغم نظامات ارزشی سایر کشورها بر اساس "نظام الهی" استوار است که از اعتبار الهی برخوردار است. در این نظام ارزشی هدف از خلقت (به ویژه حیات و مرگ) برای گزینش انسانهایی که دارای بهترین عمل (عمل صالح) هستند اعلام گردیده است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

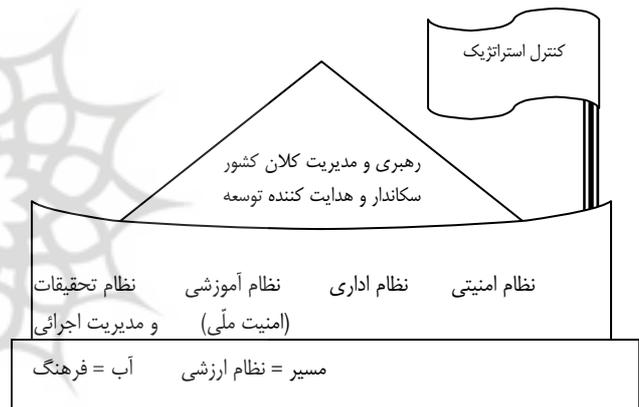
«الله الذی خلق الموت و الحیة لیلوکم ایکم احسن عملاً» [۱۳]

با نگاهی به اصول و مبانی اسلام، اصول زیر بر نظام ارزشی آن حاکم است:

۸.۱. اصول حاکم بر نظام ارزشی اسلام [۱۴]

۱. اصل تقدم کیفیت کار
۲. قابلیت ارتقاء و حتی سقوط برای همه (اعلی علیین - اسفل السافلین)
۳. توجه به فطرت الهی انسان
۴. هدف تعالی، رفاه مادی و معنوی است
۵. استفاده از وسایل مشروع
۶. اعتدال و میانه روی
۷. وجود تفاوت به جای تبعیض با توجه به استعدادها
۸. عدالت به جای مساوات

در پایان این نوشتار با استفاده از شکل زیر (کشتی توسعه) یک تصویر عمومی از حرکت توسعه در کشور ارائه می‌گردد که برای هر بخش از تصویر توضیح مختصری داده شده است.



قدمگاه اول: توسعه انسانی

شکل ۱: کشتی؛ نشان‌دهنده حرکت توسعه ملی با توجه به پنج رکن ذکر شده، فرهنگ و نظام ارزشی

جمع‌بندی

همانگونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، رهبری و مدیریت کلان کشور که نقش سکان دار و هدایت کننده کشتی توسعه را بعهده دارد، در فرهنگ و در مسیر ترسیم شده توسط نظام ارزشی و با بکارگیری ارکان توسعه ملی (نظام امنیتی، نظام اداری، نظام آموزشی و نظام تحقیقاتی) و استفاده از زیرساخت‌های فیزیکی به حرکت و پیشرفت ادامه می‌دهد. در اینجا هر یک از عناصر درون شکل ۱ توضیح داده می‌شود.

فرهنگ: آب که بستر اصلی حرکت کشتی توسعه است، همان فرهنگ عمومی و خرده فرهنگ را نشان می‌دهد. (مثل فرهنگ توسعه، فرهنگ گفتگو، فرهنگ ...)

نظام ارزشی: نظام ارزشی همان مسیر یا "کریدور" حرکت توسعه ملی است که رهبری و مدیریت کلان جامعه با توجه به مبانی، اصول و متدولوژی زیربنا آنرا توضیح داده می‌شود، مشخص می‌نماید.

نظام امنیتی (امنیت ملی): همانگونه که جلوی کشتی امواج و موانع را کنار می‌زند و در واقع سپر بلای مسائل است در توسعه ملی نیز امنیت ملی کار هموارسازی و ایجاد احساس آرامش را دارد. لذا به همین دلیل در قیمت جلوی کشتی نشان داده شده است.

نظام اداری و مدیریت: در کشتی پس از اطمینان از عدم موجود خطرات و برقراری امنیت و آرامش، آنگاه مسوولین کشتی در قالب نظام اداری و فرماندهی خود برنامه حرکت و چگونگی آن را تعیین می‌کنند. در حرکت توسعه ملی نیز پس از ایجاد آرامش و امنیت عمومی با یک نظام اداری مدیریت کارآمد امکان حرکت روان توسعه ایجاد خواهد شد.

نظام آموزشی: برخلاف حرکت کشتی های کوچک و با قایق؛ کارکنان و مسوولین کشتیهای بزرگ نیاز به آموزشهای لازم دارند. همان طور که بعد از آماده بودن سایر شرایط می‌توان به امر آموزش کارکنان کشتی پرداخت در حرکت توسعه ملی نیز پس از ایجاد امنیت و وجود یک نظام اداری و مدیریتی کارآمد می‌توان با بکارگیری نظام آموزشی کارآمد (که از قبل طراحی شده است) به این امر مهم پرداخت.

نظام تحقیقاتی: تحقیقات نقش زیربنایی دارد و نیروی علم و منطقی حرکت علمی و فرهنگی است. در حرکت توسعه ملی نیز در شکل فوق در انتهای کشتی که در واقع محل موتورهای اصلی کشتی است قرار گرفته است.

رهبری و مدیریت کلان: رهبر و مدیریت کلان کشور با استفاده از نظام ارزشی (مسیر حرکت)، فرهنگ

۱۲. قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، ۱۳۷۱، نشر قومس، ص ۱۳۱.
۱۳. قرآن، سوره کهف، آیه ۲۷
۱۴. محمدی، اسماعیل، مدیریت اسلامی، ریشه‌ها و الگودهی آن، بر اساس درس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

پی نوشت

۱. Development
۲. Progress
۳. Welfare
۴. Multi-dimensional
۵. Research
۶. امروزه در کشور ژاپن این ایده که عدم ارائه آمار و اطلاعات به محقق به عنوان جرم تلقی شود در مجلس

آن کشور مطرح است (۷۸)

۷. Management
۸. در دیدار با یکی از معاونین یک وزارتخانه مهم که سفرهای علمی - تخصصی زیادی به خارج دارند اعلام نمودند که در بازدیدهای خود از برخی کشورهای جهان سوم ملاحظه نمودند که آن کشورها از نظر منابع طبیعی، امکانات، سرمایه‌ها، فاصله زیادی با ما داشته‌اند ولی با وجود مدیریت دلسوز و کارآمد به همراه نظام کارآمد اداری توانسته‌اند پیشرفتهای قابل توجهی را کسب نمایند.
۹. Security
۱۰. به عبارتی این همان مفهوم ضرب‌المثل "آتش زیر خاکستر" را بیان می‌کند.

(بستر حرکت) و نظامهای کارآمد طراحی شده امنیتی، اداری و مدیریت اجرائی، آموزشی و تحقیقاتی؛ کار رهبری، هدایت و کنترل استراتژیک حرکت توسعه کشور را بر عهده خواهد داشت (همچون ساکنان کشتی).

در انتها ذکر این نکته را لازم می‌داند که حرکت توسعه ملی در کشور نیازمند زیرساختار فیزیکی است که ارتباطات (پست و تلفن، اینترنت و ...)، حمل و نقل (زمینی، ریلی، دریایی، هوایی) و انرژی (نفت، گاز، برق و ...) از جمله آنها می‌باشد که نظام حکومتی می‌بایست در تهیه و راهاندازی آنها توسط بخش دولتی و خصوصی اقدام لازم معمول دارد که بدنه کشتی بیانگر این زیرساختار است.

منابع

۱. نیکسون، ریچارد، ۱۹۹۹، پیروزی بدون جنگ، ترجمه دولتشاهی، فریدون، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۳۰۵
۲. فیض الاسلام، نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، سیدجعفر، چاپ سوم، ۱۳۷۱، بخش کلمات قصار
۳. لمان، دیوید، تئوری توسعه، نقل از کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی اوستایی، انتشارات اطلاعات
۴. جیروند، عبدالله، توسعه اقتصادی (مجموعه عقاید)، ص ۸۳
۵. موسایی، میثم، دین و فرهنگ توسعه، ص ۴۴
۶. سریع القلم، محمود، توسعه، جهان سوم و نظام بین‌المللی، چاپ سوم، ۱۳۷۵، نشر سفیر، ص ۷۴-۷۵
۷. مطهری، مرتضی، آشنایی با علوم اسلامی، ص ۱۶
۸. این سخن منسوب به علامه محمدتقی جعفری است که از طریق سیمای جمهوری اسلامی ایران شنیده شده است.
۹. عرب مازار، عباس؛ دادگر، حسن؛ چارچوب اسلامی دستیابی به توسعه پایدار، دومین همایش "اسلام و توسعه" در خردادماه ۷۹، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. سعادت، اسفندیار، مدیریت منابع انسانی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۷۵، ص ۲۰۲-۱۸۷
۱۱. علی‌احمدی، علیرضا، مدیریت تحقیق تا توسعه تکنولوژی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۵